کرباس خاکستری

به بهانه نمایشگاه نقاشی علی نصیر در گالری خاک

سفر به خویشتن

مژگان قدوسی

■ برپایی نمایشگاه آثار علی نصیر بهانه‌ای شد برای مروری بر آثار این هنرمند نقاشی معاصر ایران. نصیر نقاش رنگ‌هاست رنگ‌های ناب و خالصی که همیشه آثار او را از بقیه متمایز کرده است. او به شناختی عمیق‌تر از رنگ و تضاد آنها دست یافته و همواره بر این باور بوده است که با توجه به رنگ آمیزی نقاشی ایرانی رنگ آمیزی ویژه خود را خلق کرده است. مجموعه اخیر شامل فرم‌ها، خطوط و رنگ‌هایی است که این هنرمند در طی این سال‌ها تجربه کرده است. آثاری که در تمامی این سال‌ها، نمایانگر سفری است در زمان معاصر نقاشی. سیری در لایه‌های اتفاقات و عناصر به وجود آورنده اطراف ما. او این دغدغه‌ها را در پلان‌های مختلف به‌نمایش گذاشته است و ما را دعوت به این سفر کرده است. لایه‌هایی که هرگز در سطح، اثرگذار نیستند. علی نصیر از هر گونه سطحی‌نگری مبراست و هیچ‌گاه برای خرسند کردن یا خوشحال شدن نقاشی نکرده است بلکه نقاشی را برای نقاشی دنبال کرده است و در تمامی این سال‌ها به سفر در درون هنر نقاشی توجه داشته است. وی هیچ‌گاه لحظه را به ما یادآوری نمی کند بلکه همیشه بیننده با اثر وی به عمق لحظه می‌رود. رنگ‌های وی نمایانگر درونیات و ذهنیات این هنرمند است که بدون توجه به رنگ‌های سمبولیست و بدون توجه به قراردادهای جاری خود در بوم نقاشی متولد می‌شوند و در کنار قرار گرفتن دیگر عناصر بصری معنا پیدا می کنند. نقاشی‌های وی هرگز پایبند به کادری خاص نبوده‌اند. از میان کارهای این استاد هیچ‌گاه نتوانستم اثری را از بقیه جدا کنم و بیشتر دوست داشته باشم. آثار او به موازات یکدیگر پیش می‌روند و هرکدام راه مشخصی دارند. هرکدام راه خود را می‌روند، هرکدام تاثیر خود را می‌گذارند و هرکدام به مقصد خویش فکر می کنند بی‌اعتنا به اطراف و هریک ورقی از دفترچه خاطرات هستند. دفترچه‌ای که در پیش چشم ما ورق می‌خورد و زمان، مکان و چگونگی به مقصد رسیدن را یادآور است.هنرمند امروز از همه دیارهای بودن و هوشیار بودن و به خود بودن عبور کرده است و به قلمروی رسیده است که قلمرو خاموشی است. وقتی که از این قلمرو می گذریم به مرتبه‌ای می‌رسیم که آن‌سو است. آن سوی بیداری و هوشیاری «اکنون که هوشیاری ما بجاست و آگاهیم، هر حرکتی را بر وفق آگاهی‌مان می‌یابیم. » علی نصیر، ظهوری است در قدم گذاردن به این دیار.

عکس: شرق

گفت‌وگو با حجت شکیبا به بهانه نمایشگاهش در گالری «شکوه»

تاریخ آدم‌ها روی بوم نقاشی

آزاده جعفریان

حجت شکیبا، نقاش پرتره‌نگار پس از هشت سال، دو دوره از آثار نقاشی خود را روی دیوار گالری شکوه به تماشای مردم گذاشته است. او که با نقاشی در شاهکارهای زنده‌یاد علی حاتمی و نیز تصویرسازی‌ها در مجلات اوایل انقلاب به شهرت رسید، نقاشی است که همیشه تاریخ را ترجیع‌بند موضوعی آثار خود قرار داده است و در کنار جنبه‌های زیبایی‌شناسانه تصویری از روایت‌های تاریخی به زعم و نگاه خود پرهیز ندارد. شکیبا در گالری «شکوه» حدود ۳۰ تابلو از دو مجموعه تاریخ‌نگاری ایران و شاهنامه ارایه داده که در یکی ۱۷ زن تاریخ‌ساز ایران باستان و در دیگری مردان تنومند فردوسی بزرگ کاراکترهای اصلی‌اند. با او که پس از ۱۲سال اقامت در کانادا بیش از همیشه دلتنگ ایران و نقاشی کردن در ایران به نظر می‌رسد. در برفی‌ترین روز پاییز ۹۰ به گفت‌وگو نشستیم.

■■■

هشت سالی هست از دیوار گالری‌های تهران دور بوده‌اید. درست است؟

بله، اما همیشه نقاشی کرده‌ام چه در کانادا و چه در ایران. گاهی برخی سیاست‌گذاران عرصه هنر روندی را در پیش می‌گیرند که سبک خاصی از جریان هنری متداول می‌شود و نقاشی‌هایی مثل نقاشی‌های فیگوراتیو که جنس نقاشی‌های من نیست در این زمره قرار می‌گیرد به حاشیه رانده می‌شود و مثلا موج نقاشی آبستره و انتزاعی از دانشگاه گرفته تا گالری‌ها را به سیطره خود در می‌آورد. بارها برای تعامل و گفت‌وگو با تصمیم‌سازان این عرصه در سال‌ها و دوره‌های مختلف به وزارت ارشاد رفتم تا در سایه گفت‌وگو و تبادل افکار زمینه‌ساز تغییر نگاه و بسط دیدگاه‌های آنان شوم. گاهی با این سوال موجه شدم که چرا کاراکترهای اصلی آثارم زنان هستند. چرا مردان را نقاشی می‌کنم. در حالی که پیداست آنها نه دوره‌های کاری من را می‌شناسند نه از نقش زن در تاریخ هنر چیزی می‌دانند.

یعنی این دوری هشت‌ساله را باید به حساب دلخوری شما از تسلط یک جریان خاص هنری گذاشت؟

بحث دلخوری نیست، موضوع مهم‌تری در میان است. گاهی کسانی بر مصدر امور می‌نشینند که حجت شکیبا هیچ، حتی پیکاسو را هم نمی‌شناسند. آنها نمی‌دانند تاریخ هنر با نقاشی کردن از زن، پیوند کهن دارد. زن مظهر عشق، معصومیت و مادر است. یکی از مخاطبان آثارم در میان تحلیل‌هایی که از کارهای اخیرم انجام می‌داد به همین نکته اشاره داشت که زنان آثار من با وجود اینکه سپر و شمشیر به دست دارند اما درنهایت معصومیت هستند و نگاه مهربانانه دارند. به‌هرحال دوری هشت ساله از فضای نمایشگاهی ممکن است به ارتباط هنرمند و مخاطبانش خدشه وارد کند. ارتباط من با مخاطبانم هیچ‌گاه قطع نمی‌شود حتی در این ۱۲ سالی که به کانادا مهاجرت کردم هم این ارتباط مستمر بوده است. من همیشه در حالی چاپ کتاب‌های تازه از آثارم هستم و این کتاب‌ها حلقه وصل میان من و مردم است. با عنایت به همین نکته سعی می‌کنم از هر دوره کاری‌ام یک کتاب منتشر کنم. کتاب نخستم که «نقاشی‌های شکیبا» نام داشت به همت خانم میرعمادی به چاپ نفیسی رسید که بنیان‌های اندیشگی آثارم را بازتاب می‌دهد. در این کتاب مجموعه آثارم از کودکی تا نقاشی دوره قاجار و سبک عکس‌نگاری مرور شده است. کتاب نقاشی‌های ایراندوخت، سه رنگ عشق و خیام که نه تفسیر اشعار آن شاعر بزرگ بلکه روایتگر حس و حال درونی شخص خیام است از کتاب‌های بعدی من است که به چاپ پنجم و ششم هم رسیده است. اخیرا هم کتاب «به کوروش» را به زیور طبع آراستم که در وزارت ارشاد به جهت کیفیت بالا و فرم و صفحه‌بندی عالی بعد از کتاب استاد فرشچیان جایزه گرفت.

دو دوره نقاشی‌های تاریخ‌نگاری ایران و شاهنامه را روی دیوار گالری شکوه به تماشا گذاشته‌اید، درباره تقدم و تاخر آنهابفرمایید؟

نقاشی‌های تاریخ ایران را اول کار کردم و در آنها روایت‌های خودم از دوره‌های هخامنشیان، ساسانیان را انعکاس دادم. مدت‌ها طول کشید تا شجاعت کار کردن روی شاهنامه را بیابم. مجموعه تاریخ را حدود ۱۰ سال در دست داشتم و ماحصل آن بیش از ۳۰ تابلو بزرگ است. لابه‌لای آن گریزهایی به شاهنامه هم زده‌ام مثل تابلو گردآفرید ولی بعد از آنکه احساس کردم می‌توانم روی شاهنامه کار کنم به این مبحث ورود یافتم. اکنون کار کتاب نقاشی‌های شاهنامه‌ام در حال نهایی شدن است و امیدوارم بتوانم این مجموعه را نیز به ایران‌دوستانه هدیه کنم.

شما نقاشی‌های فیگوراتیو عکس‌گونه را متد خاص خود قرار داده‌اید. در این باره بفرمایید؟

من سبک هایپر رئالیسم را به ایران معرفی کردم؛ یعنی ساخت‌وساز در نقاشی که آن را به عکس نزدیک می‌کند. در واقع من فتورئالیسم را در ایران بنا نهادم. پدر من عکاسی در گرگان بود و من نزد او روی عکس‌ها و فیگور صورت مردم رتوش و نقاشی می‌کردم بعدها به مشهد رفتم و شاگرد نقاشی شدم که پرتره می‌ساخت بعد بسیار اتفاقی در منزل کسی نقاشی‌های کمال‌الملک را دیدم و مدهوش انرژی نقاشی‌های عکس‌گونه او شدم از آن پس دریافتم این علاقه ویژه من در کار هنری است. می‌دانید که من سال ۵۲ از دانشکده هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شدم این به‌این معناست که سبک‌های مدرنیستی و انتزاعی را خوب می‌دانم در این زمینه اتودهای بسیار هم زده‌ام اما دیدم باید در فضایی نقاشی کنم که به آن تعلق عاطفی دارم و از بچگی با آن دمخور و آشنا بودم. من با خلق نقاشی‌ها هایپر رئالیسم به اصل خودم، به آنجایی که دنیا آمده بودم به همان عکاسخانه برگشتم.

معنی این گفته شما این است که هیچ‌گاه سمت دیگری در نقاشی را در پیش نخواهید گرفت...

اتفاقا در کارهای جدیدی که در حال انجام هستند آثاری را ساخته‌ام که با یک جهش تکنیکی روبه‌روست. ببینید این تم موضوعی و سوژه است که سبک نقاشی را تعیین می‌کند در آثار جدیدم اتفاقا رگه‌هایی از نقاشی آبستره دیده می‌شود که البته وام‌دار تجربیات من در حدود ۴۰ سال پیش در حوزه نقاشی مدرنیستی است. اگر می‌خواهید پایبند ذات نقاشی باشید و اثرتان را به بهترین نحو به مخاطب انتقال دهید باید ببینید درباره چه موضوعی کار می‌کنید و فرم اثرتان را بر اساس همین موضوع تعریف کنید کمااینکه من در مجموعه شاهنامه، مینیاتور را در پس زمینه کاراکترهایم به کار بردم و تجربیاتی که نزد استاد مقیمی تبریزی در زمینه مینیاتور داشتم را در این آثار به کار بستم. من معتقدم هنرمند نباید نسبت به یک سبک خاص تعصب داشته باشد، باید انعطاف داشت و هر تکنیک و روش خوب را پذیرفت و سر جایش از آن بهره برد. مثلا در همین نقاشی عکس‌نگاری برایم تلالو، درخشانی و شفافیت آثار نقاشان فرنگی یک سوال همیشگی بود. رفتم و سال‌ها با نسخه‌برداری و کپی‌برداری از نقاشان بزرگ این حوزه راز این رنگ‌ها را دریافتم و آنها را در آثار خودم جای دادم. هنرمند نقاش باید هم ذهن باز و درک قوی داشته باشد هم در اجرا قدرتمند عمل کند.

تا پیش از دهه۸۰ که سایه نقاشی انتزاعی بر جریان هنری ایران بسیار گسترده و غلیظ بود احتمالا به شما سخت گذشت.

من در دانشگاه در زمینه پرتاب رنگ، شره تصادفی رنگ... بسیار تجربه کردم اما روزی همه تجربیات نقاشی مدرنیستی را به کنار نهادم. زیرا می‌دیدم راضی‌ام نمی‌کند. اول خود نقاش باید از اثرش لذت ببرد و با آن ارضا شود تا این لذت و این شور به بیننده اثر انتقال یابد. لذت نقاشی زمانی تجلی می‌یابد که اثر هنری از جان نقاش برآید. از این رو در همان سال‌ها هم من کار خودم را می‌کردم و مخاطبان خاص خودم را همیشه داشتم.

در نقاشی عکس‌گونه، در انتقال مفهوم از عکس به روی بوم نقاشی حق انتخاب برای خود قایلید؟

بعد از مدتی در عکس‌ها دست می‌بردم و قرائت خودم از تاریخ و آدم‌های درون عکس را روی بوم نقاشی متجلی می‌ساختم به اصطلاح امضای خودم را نگاه خودم را پای کار می‌گذاشتم. مثلا سعی می‌کردم شخصیت افرادی را که در عکس‌ها می‌شناختم، در نقاشی با صراحت بیشتری جلوه‌گر کنم. اگر آدم بدجنسی را در عکس می‌دیدم در نقاشی کمی قرمزترش می‌کنم یا شاعر درون عکس را روی بوم لطیف‌تر و ظریف‌تر نقاشی می‌کردم. در همین مسیر با افزودن برخی اشیا که کارکرد نمادین دارند، تلاش کردم زندگی و حال درونی کاراکترهای عکس را در نقاشی بروز دهم؛ دست یکی تفنگ گذاشتم، دست عاشقی گل... در واقع فرآیند نقاشی از روی عکس و عکس نگاری‌های من جنبه مفهومی پیدا کرد. من کتابی با عنوان «نقش عکس در هنر ایران» را به چاپ رساندم تا جواب آنهایی را بدهم که منکر نقاشی‌های عکس‌گونه در سنت نقاشی ایران هستند. عکس‌هایی را با تحقیق بسیار پیدا کردم که نقاشان گذشته بر اساس عکس خلق کرده بودند. بگذارید خاطره‌ای برایتان بگویم موزه هنرهای معاصر با کار هایپر رئالیست‌های معروف دنیا افتتاح شد وقتی به تماشای آثار این نمایشگاه رفتم، آه از نهادم برخاست که چرا هنرمندانی که در وطن در همین شاخه هنری فعالیت می‌کنند، در نمی‌یابند. البته سال‌های بعد وقتی آقای کامران دیبا را درسوییس دیدم مرا بغل کرد و گفت آن موقع از هنر من بی‌خبر بوده و بعدها شنیده بود یک شکیبا در ایران هست که هایپر رئالیسم کار می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۵

مکعب سفید

آداب کافه‌نشینی به روایت تصویر*

اسفندیار پورمقدم

■ وقتی از رفتن به جایی دردناک می‌گریزید، سر از کافه درمی‌آورید. این جمله‌ای است که سال‌هاست روی صورت آدم‌هایی که در کافه را باز می‌کنند، می‌بینیم؛ از روزهایی که سرحال هستند و روزهایی که بر روال نیستند. روزهایی که گیج شده‌اند و روزهایی که آمده‌اند از موفقیتی حرف بزنند. شب‌هایی که از تنهایی می‌گریزند و زمان را به کافه‌ای شلوغ می‌سپارند. صبح‌هایی که از ازدحام شهر می‌گریزند و به آرامش کافه‌ای می‌روند. بعضی کنار هم نشسته و عده‌ای در کناری می‌ایستند. فنجان‌های قهوه‌ای که خالی می‌شوند و موسیقی‌ای که آرام تا پاسی از شب نواخته می‌شود. این حال و هوا تا حدی منحصربه‌فرد است که نمی‌توان دوباره دیدن و دوباره ثبت کردن آن را نادیده گرفت. اما از آنجا که گمان می‌کنم دوربین عکاسی تنها می‌تواند سطح اشیا و پدیده‌ها را ثبت کند، رنگ‌ها و فرم‌های نقاشی را وسیله‌ای قرار دادم تا بتواند عکس را از لحظه ثبت آن فراتر برد. آداب کافه‌نشینی موضوع جالب دیگری بود که مجموعه‌ای از حرکات و رفتار بدنی اشخاصی است که در این مکان حضور دارند. پس با استفاده از دوربین عکاسی و تکنیک استاپ‌موشن به ثبت این آداب در قالب یک ویدیو پرداخته‌ام.

***نمایشگاه عکس و ویدیو آرت اسفندیار پورمقدم با موضوع «کافه شوکا» تا ۱۰ آذرماه در گالری «والی» برپاست. علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه به غیر از جمعه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.**

خبر

پرواز سیمرغ در باغ ایرانی

■ **شرق:** نمایشگاه زیورآرایه هنری تکتم فاضل و بهرام دشتی‌نژاد با عنوان «باغ ایرانی» در گالری گلستان ادامه دارد. در این نمایشگاه ۱۳۰ قطعه زیورآرایه هنری از این زوج هنرمند با تراش‌های ظریف و هنرمندانه نقره، رگه‌هایی از طلا، فیروزه و سنگ‌های نیمه‌قیمتی ارایه شده است. این دو هنرمند جوان با بهره‌گیری از المان‌های شرقی و به وسیله دست و با مدد از اره مویی این آثار منحصربه‌فرد را به گونه‌ای خلق کرده‌اند. نمایشگاه زیورآرایه‌های هنری «باغ ایرانی» تا سوم آذر در گالری گلستان دایر است و علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه از ساعت چهار تا هشت شب از این آثار دیدن نمایند.

جدول ۱۳۷۴

افقی:

۱- پیامبر بت شکن- داوطلب ۲- نام شانزدهمین حرف الفبای فارسی- تظاهر- جانشین ۳- جواب- مجلل- اسلوب ۴- واحدی در وزن- ارفاق- ضمیر سوم شخص مفرد ۵- برخی در خواب می‌کشند- طواف خانه خدا- مفهوم ۶- ورم عفونی- صفت سیب زمینی- محله و برزن ۷- رمق آخر- بهره وام- رودی در کرمان ۸- از بتهای زمان جاهلیت- یکی از القاب اروپایی- وسیله‌ای در شبکه‌های رایانه‌ای- جد ۹- مبهوت و متحیر- چروک پوست- یکی از دو جنس ۱۰- شهر صنعتی آلمان- مالیات فرنگی- فدراسیون والیبال ۱۱- امر به آسودن- رشته باریک- جرات ۱۲- نت آخر- ماه زمستانی- تیر پیکاندار ۱۳- کشوری عربی- اردک- تمدنی خاک شده ۱۴- نیک نگریستن- از قاره‌ها- زاییدن ۱۵- از روی حماقت و نادانی- پادزهر

عمودی:

۱- مطبخ- شهری در فرانسه ۲- امر به آمدن- نام خانوم‌ها- جیوه ۳- دوران تحول اروپا- کتابی از لرد بایرون نویسنده انگلیسی- مورچه ۴- همشیره- جست‌وجوگر- زیر پا مانده ۵- خدای دراویش- گرداگرد لب و دهان- کریستال- ناخن ستور ۶- خشک- قلعه و حصار- آمرزش ۷- محلی در خانه خدا- زنده- نقطه بیگانه- آواز ۸- نزاع کردن- هر موجود زنده ۹- پرنده ساعتی- شکوه و شکایت- کاشف میکروب سل- وسط ۱۰- دوره‌ها- ناامید- خوب ۱۱- نفس خسته- از وزرای نامی فرانسه در قرن هفدهم- مکان- غذای ایرانی ۱۲- رودشولوخف- حیوان بدبو- حسرت، دریغ ۱۳- دوست و همدم- چشم‌ها- مافیای ژاپن ۱۴- کتاب شاعر- شهری تاریخی در استان کرمانشاه- خزنده خوش خط و خال ۱۵- سیفون- آهنگ موسیقی دراماتیک در موضوعی‌مذهبی

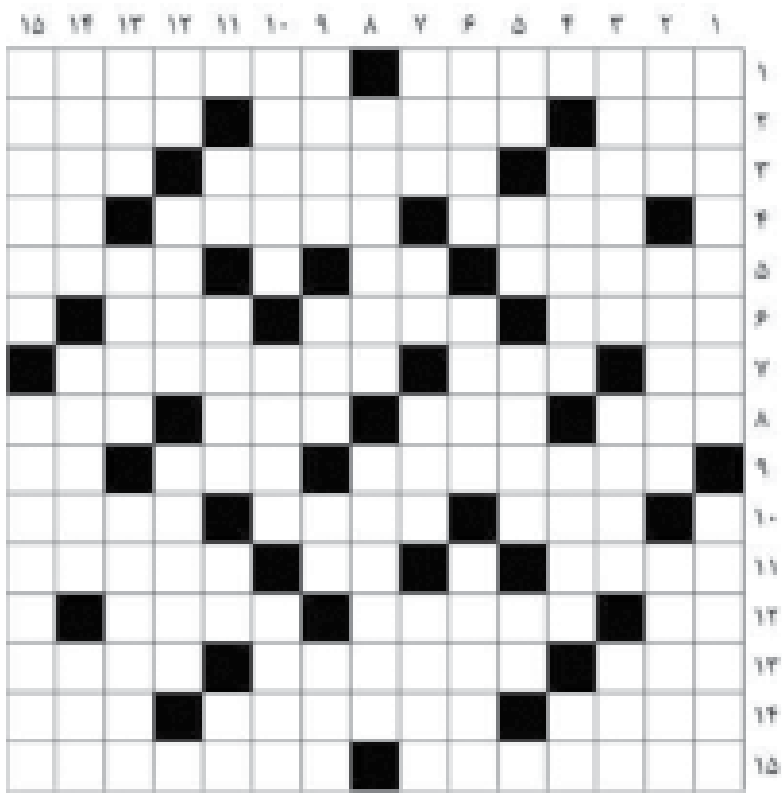

حل جدول ۱۳۷۳

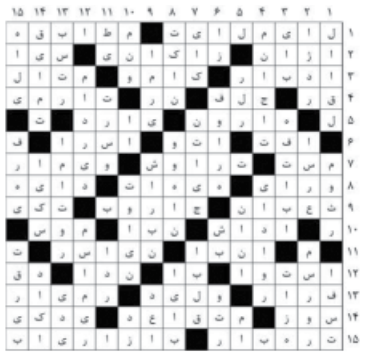

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۳۷۷

	۴	۷	۹			۶		
۱			۵	۲				۳
		۳		۸	۴		۹	۲
۶	۷	۵	۲	۱	۸			۹
		۱		۴	۷			۵
۴			۳				۱	۶
	۳			۷	۵	۹	۶	۱
	۱	۶	۸	۹				
	۵				۲	۸	۳	

حل سودوکو ۳۷۶

۶	۸	۹	۷	۲	۱	۳	۴	۵
۷	۴	۱	۳	۹	۵	۲	۶	۸
۲	۳	۵	۴	۸	۶	۱	۷	۹
۸	۶	۲	۵	۱	۳	۷	۹	۴
۱	۷	۳	۹	۴	۸	۶	۵	۲
۵	۹	۴	۲	۶	۷	۸	۱	۳
۹	۵	۷	۱	۳	۲	۴	۸	۶
۳	۱	۶	۸	۵	۴	۹	۲	۷
۴	۲	۸	۶	۷	۹	۵	۳	۱

سودوکو سخت ۲۷

۹						۲	۵	
				۷	۹			۳
	۴			۵		۸		
۶		۵			۲			۱
		۷	۱				۶	
		۴	۳				۹	۲
	۵	۹						۴
۸					۷	۶	۱	
	۱	۶		۲				

حل سودوکو سخت

۸	۷	۶	۴	۲	۵	۹	۱	۳
۵	۱	۹	۸	۳	۶	۴	۲	۷
۶	۳	۲	۹	۱	۷	۶	۵	۸
۴	۲	۳	۹	۵	۸	۱	۷	۶
۷	۹	۸	۵	۶	۱	۲	۳	۴
۷	۶	۵	۳	۴	۲	۸	۹	۱
۱	۸	۴	۶	۷	۳	۵	۲	۹
۳	۴	۲	۱	۹	۸	۷	۶	۵
۹	۵	۷	۲	۸	۴	۳	۱	۶

فرم درخواست اشتراک روزنامه شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را بر اساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به حساب شماره ۳۲۹۰۰۰۱۰۰۴۲۴۲۰۱۰ نزد بانک پاسارگاد به نام گالری [illegible] واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۸۸۸۱۶۷۳۰، ۳۷ جهت اعزام مأمور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی نبش کوچه نهم پلاک ۳۹ طبقه فوقانی بانک سپه.

۳- ارسال از طریق نورنگار به شماره ۸۸۸۲۱۷۷۴

شرایط اشتراک

۱- مدت تحویل روزنامه تا ساعت ۱۰ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که در دومین روز به صورت کامل تحویل داده شد حداکثر پانزدهم روز بعد از تحویل مدارک دریافت خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول زیر یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید. در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.

توجه: لطفاً یک فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگهداری فرمایید.

مدت	یک ماهه	سه ماهه	شش ماهه	دوازده ماهه
قیمت به ریال	۳۲۰,۰۰۰	۸۸۰,۰۰۰	۱,۶۸۰,۰۰۰	۳,۲۰۰,۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

ضمیمه مبلغ ..... ریال وجه نقد - فیش - چک ☐ مشترک زیر جهت اشتراک ..... نسخه روزنامه شرق به مدت ..... ماه از مشترک شماره ..... به نام ..... دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کدشعبه	مبلغ

نام و نام خانوادگی دریافت کننده: ..... امضاء دریافت کننده: .....

توجه: نام، نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ☐ ۱ ماهه ☐ ۳ ماهه ☐ ۶ ماهه ☐ ۱۲ ماهه کد اشتراک: تعداد نسخ اشترک:

مشخصات متقاضی: نام: نام خانوادگی: نام پدر:

فرم: دقیق ..... امضای متقاضی:

کد پستی: ..... تلفن: ..... نمابر: .....